

با زندگی پراسترس و فشاری که این روزها داریم، گه‌گاه تلاش می‌کنیم با تغییر دادن برخی چیزها راه فراری از این شرایط پیدا کنیم. سفر به مکان‌های جدید و ناشناخته هم یکی از این راه‌حل‌هاست. اما باید مراقب بود این تغییر حال و هوا به قیمت جان‌مان تمام نشود!

طبیعی است برای هر سفر از حدود یک ماه پیش برنامه‌ریزی و مقصد را مشخص کنیم؛ از دیدگاه دیگر مسافران در مورد هتل منظرمان مطلع شویم، قیمت‌ها را بررسی کنیم … در این میان امنیت مقصد سفر هم از فاکتورهای مهمی است که مسلماً روی تصمیم ما اثر می‌گذارد.

طی سال‌های اخیر جنگ عراق، سوریه، یمن و ظهور پدیده تروریستی داعش آنچنان امنیت منطقه را لکه‌دار کرده که نام این کشورها و بعضاً همسایه‌های کم شانس آنها در فهرست قرمز سفارت‌ها قرار گرفته است. این نوع ناامنی‌ها که تاثیر مستقیمی بر کاهش گردشگران آن کشورها دارد را می‌توان موقتی دانست. در مقایسه با این نوع از ناامنی، مناطق و شهرهایی هستند که به دلایلی طولانی مدت‌تر به مسافران خارجی توصیه نمی‌شوند و اگر هم گردشگران بر تصمیم خود اصرار داشته باشند، حفظ جان و مال آنها بر عهده خودشان خواهد بود.

«سن پدرو سولا»، **هندوراس**

شهر «سن پدرو سولا» در شمال غرب هندوراس واقع است و حدود ۶۰ کیلومتری جنوب «پوئرتو کورتز» در حاشیه دریای کارائیب است. آب هوای این شهر، گرمسیری و دلچسب است و در طول سال دمای بالایی دارد. دیدنی‌های بسیاری همچون موزه انسان شناسی و تاریخ، افلاک‌نمای کودکان و پارک مرکزی در این شهر وجود دارند. خیابان «رینگ» منطقه محبوب گردشگران است که هتل‌ها، مراکز خرید، بانک‌ها و قسوتفوق‌های زنجیرهای در آن قرار دارند.

باهمه این اوصاف، سن پدرو سولا به عنوان یکی از خطرناکترین شهرهای دنیا شناخته می‌شود. در سال ۲۰۱۱ از هر ۱۰۰ هزار شهروند این شهر ۱۵۹ نفر خودکشی کردند. این آمار برای سومین سال متوالی سن پدرو را از «سواد خوراس» مکزیک که لقب خطرناک‌ترین منطقه روی زمین را یک می‌کشید، جلو انداخت.

گزارشات نشان می‌دهد این شهر مرکز قتل و جنایت دنیاست، چرا که روزانه سه نفر در آن کشته می‌شوند. شرایط وقتی بدتر می‌شود که بداندید قتل تنها سه‌ماهه‌ای نیست که بیش نگرایش باشد! فعالیت‌های مافیایی در این شهر آقدر گسترده است که قاچاق مواد مخدر و اعضای بدن انسان در آن به راحتی انجام می‌شود. وقتی این همه

روزی که به مناسبت روز نابینایان وجود دارد سعی می‌کنند به زندگی این افراد بپردازند اما معمولاً در فیلم‌ها تصویری را نشان می‌دهند که واقعیت ندارد.

رشته جامعه شناسی به نادرید گرفته شدن نابینایان در قوانین شهاری می‌کند و می‌گوید: به طور کلی ما در قوانین دیده نمی‌شویم، برای مثال هنگامی که می‌خواهند امکاناتی را ارائه دهند از افراد معلول جامعه نظر خواهی نمی‌کنند.گویی افراد نابینا به عنوان شهروند درجه دو لحاظ می‌شوند اما درخواست ما این است که ما را به عنوان شهروند درجه یک لحاظ کنند که اگر این امر صورت بگیرد، مسئولان از نیازهای ما آگاه می‌شوند که فکر می‌کنم این امر باید از آموزش‌های اولیه در زمینه نگرش افراد جامعه به معلولان و به‌ویژه نابینایان آغاز شود. در حالیکه هم اکنون حتی پشت‌توانه ذهنی برخی واژه‌ها مانند “روشنندل”هم دارای حس ترحم انگیز است. استفاده از واژه روشنندل یک سبقه دینی دارد در صورتی که ممکن است افراد نابینا هم گناه کنند. وی با علم بر اینکه شرایط موجود و نادریده شدن در قانون و جامعه برای زنان نابینا سخت‌تر است، توضیح می‌دهد: دلیل این امر این است که علاوه بر محدودیت‌هایی که برای زنان وجود دارد معلولیت نیز به این محدودیت‌ها می‌افزاید. از یک طرف زن نابینا از نظر امنیت بسیار در خطر است و از طرف دیگر خانواده‌هایی که صاحب دختر نابینا هستند، کمتر می‌پذیرند که فرزندشان برای تحصیل، اشتغال یا پیشرفت به شهر بزرگی مانند تهران مهاجرت کند و این امر باعث جلوگیری از پیشرفت فرد می‌شود.

آگاهی کاذب بر زندگی نابینایان سایه انداخته است
این دانشجوی دکتری رشته جامعه شناسی از عدم آگاهی افراد جامعه نسبت به نحوه برخورد با نابینایان انتقاد و بر اینکه به افراد جامعه نحوه برخورد با معلولین آموزش داده نمی‌شود تاکید کرده و ادامه می‌دهد: برخوردهای افراد جامعه با نابینایان از یک آگاهی رایج نشأت می‌گیرد مبنی بر این که فرد نابینا یک فرد ناتوان است و سایه این آگاهی کاذب در همه زندگی افراد معلول وجود دارد. البته این دید در اقرار تحصیل کرده جامعه مانند اساتید نیز وجود دارد و پیش زمینه ذهنی اساتید هم مبنی بر این است که افراد نابینا قادر به انجام بسیاری از کارها نیستند. من ابتدا بیباک بودم و سپس به مرور زمان بینایی خود را از دست دادم و در این باره زمانی متوجه شدم که نحوه نگاه، نحوه برخورد و انتظارات افراد چگونه تغییر می‌کند. در حالیکه جداسازی افراد نابینا از افراد بیباک می‌شود نابینایان از روند اجتماعی روزمره دور بیافتند.

تصویر ارائه شده رسانه‌ها از نابینایان واقعی نیست
وی در ادامه به برنامه‌های صدا و سیما و دیگر رسانه‌ها درمورد معلولین اشاره می‌کند و می‌گوید: اکثر رسانه‌ها به صورت مناسیتی و سالاته در

آشنایی با خطرناک ترین شهرهای جهان



دره واقع شده و سطح همواره کمی دارد. کلیسای جامع «متروپولیتن»، کاخ سابق ریاست جمهوری که حالا دیگر موزه شده، کلیسای «باکره سویاپا» و سالن تئاتر «مانوئل بویالا» از جمله جاذبه‌های دیدنی این شهر به حساب می‌آیند.

این شهر که تاریخی ۴۰۰ ساله را پشت سر گذاشته، ۱۴ موزه دارد که بیشترشان حوالی مرکز تاریخی آن واقع هستند اما اجازه ندهید این زیبایی‌ها و جاذبه‌ها روی ذهن‌تان تاثیر بگذارد

چون هندوراس بالاترین درصد قتل در جهان را داراست. در سال ۲۰۱۰ درصد و این رقم در «فرانسیسکو مورازان» ۸۳/۲ درصد و این رقم در سطح ملی ۸۶ درصد بود. یک سال پیش از آن گردشگران این شهر با مشکلات جدی مواجه می‌شوند؛ نیروهای فاسد پلیس آکوپولوک مسافران را به حبس، تهدید کرده و از آنها اخاذی می‌کنند. اجساد مرده‌ها در نقاط مختلف شهر سرگرداند

و اگر در زمان و مکان نادرست قرار بگیرید، هیچ کس نمی‌تواند تضمین کند شما هم به آن سرنوشت دچار نشوید.

«تگوسیگالپا»، **هندوراس**

تگوسیگالپا در منطقه‌ای کوهستانی و در یک

روزی که به مناسبت روز نابینایان وجود دارد سعی می‌کنند به زندگی این افراد بپردازند اما معمولاً در فیلم‌ها تصویری را نشان می‌دهند که واقعیت ندارد.

روزی که به مناسبت روز نابینایان وجود دارد سعی می‌کنند به زندگی این افراد بپردازند اما معمولاً در فیلم‌ها تصویری را نشان می‌دهند که واقعیت ندارد. معمولی‌ن که در فیلم‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند یا بشمار ناتوان یا بسیار موفق هستند. از طرف دیگر صدا و سیما وظیفه دارد هفته‌ای دو ساعت برای گروه‌های مختلف معلولین برنامه بسازد و به نحوه زندگی آن‌ها بپردازد، اما این امر کمتر صورت گرفته است.

نا آگاهی خانواده‌ها درمورد نحوه برخورد با فرزندان نابینا
این دانشجوی دکتری رشته جامعه شناسی از ناآگاهی خانواده‌ها درمورد نحوه برخورد با فرزندان نابینا انتقاد می‌کند و ادامه می‌دهد: معمولاً خانواده‌هایی که دارای فرزند نابینا هستند گمان می‌کنند باید از این فرزندان حمایت بیش از اندازه داشته باشند و همین امر باعث می‌شود جلوی استقلال افراد نابینا گرفته شود. هیچ منبعی برای خانواده‌ها جهت مراجعه و کسب اطلاع در زمینه وجود ندارد و خانواده‌ها به صورت تجربی یاد گرفته‌اند که باید با عضو نابینای خود چگونه رفتار کنند.

وی با اشاره به امکانات دانشگاه تهران برای دانشجویان نابینا اظهار می‌کند: دانشگاه تهران برای نابینایان کتاب ضبط می‌کند و در اختیار آنها خدمات و خوابگاه مناسب قرار می‌دهد. البته این امر در هر دانشگاهی متفاوت است،امکانات دانشگاه تهران برای نابینایان نسبتاً مطلوب است و بهتر

است دانشگاه‌های دیگر نیز دانشگاه تهران را از این نظر الگویی خود قرار دهند اما چالشی که در این میان وجود دارد این است که توانایی‌های ما نادرید گرفته می‌شود و اگر فرد نابینایی قصد داشته باشد در رشته‌ای مانند رشته‌های مهندسی تحصیل کند به او این اجازه داده نمی‌شود. ما برای تحصیلی با محدودیت انتخاب مواجه هستیم زیرا افراد جامعه دارای یک تصور قالبی از نابینا بودن هستند و همین تصور باعث می‌شود که توانایی و علاقه ما نادرید گرفته شود. این دانشجوی کارشناسی رشته فلسفه بر اهمیت نحوه انتخاب لغات تاکید کرده و می‌گوید: در بهزیستی از افرادی که تحت پوشش قرار می‌گیرند به عنوان مددجو نام برده می‌شود. من فکر می‌کنم استفاده از لغات اهمیت بسیاری دارد. زیرا ما در درجه اول یک شهروند هستیم نه صرفاً یک مددجو.

نابینا بودن برای فرد هويت مناسبی نیست
در ادامه احمد طاهری، دانشجوی کارشناسی رشته فلسفه، باتاکید بر اینکه در مورد افراد نابینا صحبت‌های زیادی در رسانه‌ها مطرح شده، خاطر‌نشان می‌کند: صحبت‌های زیادی در مورد غدغه‌های نابینایان، امکاناتی که به آن نیاز دارند، کیفیت زندگی آنها و غیره در رسانه‌ها صورت گرفته است اما همه حرف ما تنها این مسائل نیست. البته رسانه‌ها اکثراً این کار را به صورت مناسبی انجام می‌دهند و روند کار آنها کلیشه‌ای است، زیرا معمولاً یک فرد معلول را که در زندگی‌اش بسیار موفق است به عنوان نمونه دعوت می‌کنند و سعی می‌کنند این امر را القا کنند که فرد معلول هم می‌تواند موفق شود. در صورتی که معلولین هم مانند افراد عادی می‌توانند موفق یا ناموفق باشند.

توانایی‌های افراد نابینا نادرید گرفته می‌شود
در ادامه مجید محمدیان، دانشجوی ارشد رشته جامعه شناسی با اشاره به مشکلات دانشجویان نابینا اظهار می‌کند: هنگامی که از افراد نابینا صحبت به میان می‌آید نگاه خاصی به آنها می‌شود و معمولاً بحث‌هایی که در مورد این افراد می‌شود در حیطه امکانات، مشکلات و غیره است. اما نکته حائز اهمیت این است که طرح مسئله شود

کنند و درآمدی کسب کنند، باید باچ بدهند و رشوه بپردازند. هاوانا که مهم‌ترین شهر توریستی کوبااست، به اندازه مکان‌هایی که تاکنون به آنها اشاره کردیم خطرناک نیست، البته اگر بای‌تان‌را فراتر از مناطق توصیه شده نگذارید.

«ماسیو»، **برزیل**

ماسیو بزرگ‌ترین شهر و پایتخت ایالت ساحلی «آلاگواس» برزیل است. آب هوای این منطقه با رطوبت تقریباً بالا و هوای موسمی، بسیار خاص است اما دمای هوا هیچ وقت خیلی بالا نمی‌رود و خیری از بادهای ملایم نیست. برای گذران تعطیلات، ماسیو با شن‌های سفید سواحل، دریای سبز و آبی رنگ و آب‌های شفافش مقصد بسیار دلپذیری است اما آنچه خیلی از مسافران در مورد این ایالت نمی‌دانند این است که نام آن در فهرست ۱۴ شهر خطرناک جهان ذکر شده است. آمارها حاکی از آن است که در ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۳۵ فقره قتل در این شهر رخ می‌دهد و همین موضوع آن را در فهرست خطرناک‌ترین شهرهای جهان بالاتر از ریو دوژانیرویو برزیل قرار داده است.

«دیترویت»، **آمریکا**

اگر می‌خواهید به همراه خانواده به یک پیکنیک یک روزه بروید، دیترویت اصلاً پیشنهاد خوبی نیست. طبق آمارگیری که در سال ۲۰۰۵ انجام شد، دیترویت ششمین رتبه را در فهرست جرم‌های خشونت‌بار در شهرهای آمریکا دارد. تقریباً دوسوم قتل‌هایی که سال ۲۰۱۱ در ایالت میشیگان انجام شد، در این شهر رخ داده بود. گرچه آمار جرم و جنایت در سال ۲۰۰۸ دیترویت تا ۱۱ درصد کاهش پیدا کرد، جایگاه این شهر در میانگین سالانه کشور تغییری پیدا نکرد.

هاوانا پایتخت و بزرگ‌ترین شهر کوبا و همچنین پرجمعیت‌ترین شهر در منطقه کارائیب است. این شهر مرکز دولت کوبا، محل قرارگیری بسیاری از وزارتخانه‌ها، دفتر اصلی مراکز تجاری و بیش از ۹۰۰ دفتر دیپلماتیک است. پایتخت کوبا سالانه بیش از یک میلیون گردشگر بین‌المللی را به خود جذب می‌کند، با این حال جرم و جنایت حضور دائمی در فضای این شهر دارد.

گرچه دولت کوبا آمار دقیقی از جنایت‌ها در هاوانا را منتشر نمی‌کند، روشن است که قاچاق مواد مخدر بسیار رایج است. مقصد بیشتر این مواد، ایالات متحده آمریکا است. به این خاطر که کوبا در گذشته کشوری سوسیالیست بود، فقر یکی از فاکتورهای پررنگ زندگی مردم آن است.

رشوه از جرم‌های بسیار فراگیر در این کشور است، حتی در سیستم سلامت. نوازندگان برای ویزای اوکراین برای اعضای کشورهای عضو

اتحادیه اروپا رایگان شد، وضعیت تغییر کرد و کی‌یف شاهد رشد چشمگیر ورود مسافران خارجی شد.

اما اوکراین که هنوز طعم لذت شکوفایی صنعت گردشگری را نچشیده، نامش وارد فهرست مقاصد خطرناک جهان شد. ناآرامی‌های سیاسی و اعتراضات شهروندی کی‌یف در سال‌های اخیر، عامل اصلی به خطر افتادن وضعیت گردشگری کشور شد. رییس جمهور اوکراین خواهان ارتباط دوستانه با روس‌هاست، ولی مردم کشورش طالب پیوستن به اتحادیه اروپا هستند. سفر به کی‌یف از نظر مالی هزینه زیادی ندارد، اما ممکن است به قیمت جان‌تان تمام شود!

«قاهره»، **مصر**

بیشتر بخش‌های این کشور آفریقایی بیابانی است. طی سال‌ها قاهره یکی از جذاب‌ترین مقاصد برای گردشگران بود. به دلیل دمای همیشه بالای این شهر و نزدیکی آن به اقیانوس، زمستان بهترین فصل توریستی آن به حساب می‌آید. اهرام تلاسه هم که گنج بزرگ این منطقه محسوب می‌شود. اما متأسفانه نام قاهره هم در اثر نابسامانی‌های سال‌های اخیر در فهرست خطرناک‌ترین شهرهای جهان وارد شده است.

ناآرامی‌ها و اعتراضات سیاسی در کاهش آمار ورود گردشگران به این شهر نقش پررنگی داشته است. اقدامات تروریستی، بمب‌گذاری‌ها و تظاهرات مردمی سال‌های گذشته آن چنان امنیت این شهر را نشانه رفته که نام قاهره حتی در فهرست سیاه برخی کشورها ذکر شده و این به معنای این است که امنیت مسافران به هیچ عنوان در این شهر تضمین شده نیست.

«نونوو لاردو»، **مکزیک**

این شهر مکزیکي با سه پل بین‌المللی و یک پل راه آن به لاردو و تگزاس متصل است. شهر مرزی نونوو لاردو قلمرو جنگی بین قاچاق‌چیان مواد مخدر محسوب می‌شود. این منطقه نقش راه‌روی انتقال مواد مخدر و منفجره را بازی می‌کند. اتحادیه قاچاقچیان این ناحیه، در آمریکا و مکزیک بسیار فعال هستند و گزارش شده از سال ۲۰۰۶ نزدیک به شش هزار نفر طی اعمال خشونت‌آمیز حاصل از این تجارت غیرقانونی جان خود را از دست دادند.

اما این تنها خطری نیست که توریست‌ها را تهدید می‌کند؛ سرقت اتومبیل، آدم‌ربایی و زدوی دیگر جرم‌های رایج در این منطقه هستند. به همین دلیل است که دولت‌ها گردشگران را از سفر به این شهر به حذر می‌دارند. با این حال اگر تصمیم به این سفر گرفتید، سعی کنید تمام ساعات روز و شب هوشیاری خود را حفظ کنید.

به نابینایان مطلوب نیست تاکید می‌کند و اذعان دارد: این تفکر در میان مردم وجود دارد که گمان می‌کنند کسی که با یک فرد نابینا ازدواج کرده ایثار می‌کند.

از طرف دیگر مردم به حریم شخصی نابینایان احترام نمی‌گذارند و برخی از مردم هنگامی که در معابر عمومی با نابینایان برخورد می‌کنند مرزهای خصوصی را فراموش کرده و گمان می‌کنند که اجازه دخالت در هر چیزی را دارند. بهتر است مردم درک کنند که فرد نابینا هم مانند بقیه است و فقط نمی‌تواند ببیند. وی ادامه می‌دهد: این برخورد اشتباه در میان خانواده‌های نابینایان نیز وجود دارد، نگاهی که از طرف خانواده‌ها به فرزندان نابینا وجود دارد متفاوت است. خانواده‌ها یا این فرزندان را بیش از حد دوست دارند و به آنها توجهی می‌کنند و یا بر عکس. در واقع خانواده‌ها هم نمی‌دانند چه برخوردی باید داشته باشند و به دنبال کسب آگاهی در این زمینه نمی‌روند. البته باید گفت برخورد اشتباه با نابینایان حتی در میان کارمندان بهزیستی نیز وجود دارد و نحوه نگاه و برخورد برخی از کارمندان‌کی در بهزیستی هستند از بالا به پایین است در صورتی که این افراد به ازاء خدماتی که به مددجویان ارائه می‌دهند حقوق دریافت می‌کنند.

عدم توجه به مشکلات کم بینایان

محمد پارسا،دانشجوی مقطع کارشناسی رشته مشاوره نیز به مشکل کم بینایی اشاره می‌کند و می‌گوید: مشکل کم بینایان این است که بین دو گروه نابینایان و بیناها قرار گرفته‌اند و به این امر در رسانه‌ها و جاهای دیگر پرداخته نشده است. برای مثال من به عنوان یک دانشجوی کم بینا به راحتی می‌توانم کتاب بخوانم اما تخته‌را نمی‌بینم و در هر ترم باید این مسئله را برای اساتید و دانشجویان توضیح دهم. از طرف دیگر توانایی کم بینایان نادرید گرفته می‌شود. اساتد کم بینایان در کشور کم و شرایط آنها دشوار است. این در شرایطی است که معمولاً به ما گفته می‌شود دیگران به حال ما غیبط می‌خورند و همین امر و نگاه ترحم آمیزی که به ما دارند آزار دهنده است. وی همچنین درمورد نوع خدمات رسانی سازمان بهزیستی اذعان می‌کند: جامعه هدف بهزیستی زیاد شده است و افرادی که برای کار وارد بهزیستی می‌شوند جزو مشکل‌دارترین افراد جامعه هستند همین امر در خدمات رسانی این سازمان خلل ایجاد می‌کند.

افراد جامعه هیچ تصویری از زندگی عادی نابینایان ندارند

همچنین عطیه شهبوساری، دانشجوی رشته علوم سیاسی مقطع کارشناسی پردیس مرکزی دانشگاه تهران بر این امر که تصویری که از نابینایان وجود دارد اشتباه است تاکید می‌کند و ادامه می‌دهد: برای کار وارد بهزیستی می‌شوند جزو مشکل‌دارترین افراد جامعه هستند همین امر در خدمات رسانی این سازمان خلل ایجاد می‌کند.

نابینا شوم، تصویری که از فرد نابینای ناموفق داشتم یک عضا و کاسه برای تکدی گری و تصورم از یک فرد نابینای موفق پسربرجهای بود که می‌توانست دوچرخه سواری کند و هیچ تصویری از فرد نابینای عادی نداشتم. منظور این است که افسردا جامعه هیچ تصویری از زندگی عادی نابینایان ندارند و همین امر باعث ایجاد مشکلات نگرشی می‌شود. از طرف دیگر جامعه به فرد نابینا به عنوان یک مصرف کننده نگاه می‌کند که محتاج دیگران است. برای مثال وقتی من می‌خواهم از عابر بانک استفاده کنم حتماً باید یکی از دوستانم همراه باشد. این در حالی است که اگر امکانات به صورت درست در اختیار ما قرار بگیرد و همین دستگاه عابر بانک طوری تعبیه شود که قابل استفاده برای نابینایان باشد شخص نابینا دیگر احتیاجی به کمک دیگران ندارد و حس سرباز بودن نخواهد داشت.

نابینایان دنبال ترحم دیگران نیستند

وی ادامه می‌دهد:مشکل دیگری که وجود دارد نگاه ترحم آمیز دیگران به ما است. ما به دنبال کمک یا ترحم دیگران نیستیم فقط می‌خواهیم با ما مثل مردم عادی برخورد شود. این نگاه ترحم آمیز در بین اساتید نیز وجود دارد. اساتید گمان می‌کنند که ما به دنبال جلب توجه آنها هستیم و ما به عنوان یک دانشجو عادی نگاه نمی‌شود.از طرف دیگر خوابگاه دانشجویان نابینا از دانشجویان بیبا جدا است. البته خوابگاه دانشجویان خارجی هم به دلیل عقاید خاصی که دارند از دانشجویان داخلی جدا است اما باعث نمی‌شود که دیدگاهی که به آنها وجود دارد تغییر کند اما هنگامی که ساختمان دانشجویان نابینا جدا می‌شود دیدگاه متفاوت می‌شود و همه گمان می‌کنند که به امکانات خاصی نیازندمیں.

این دانشجوی رشته علوم سیاسی مقطع کارشناسی پردیس مرکزی دانشگاه تهران بر اینکه جامعه هدف بهزیستی فقط این است که یک نگرش درست به آنها وجود داشته باشد تاکید می‌کند و می‌گوید: اگر ما درخواست امکانات خاصی از دولت داشته باشیم و ما به عنوان یک نیازمند و محتاج به کمک دیگران نگاه می‌شود صورتی که این نگرش غلط است.

تعریف نیازهای معلولین در حد نیازهای اولیه غریزی

وی در پایان می‌گوید: متأسفانه دیدگاه غلطی که نسبت به معلولین وجود دارد خلاصه شدن نیازهای آنها در حد نیازهای اولیه غریزی است، در حالیکه به جای اینکه به عنوان مثال گوشت و مرغ به معلولان اختصاص دهند برای آنها کلاس‌های آموزش، موسیقی و غیره برگزار کنند. متأسفانه میزان آگاهی مردم جامعه از شرایط ما آقدر پایین است که برخی اوقات سوالات عجیب و غریب از ما پرسیده می‌شود. برای مثال وقتی جسمی را لمس می‌کنیم؛ از ما می‌پرسند می توانی بفهمی چه رنگی است؟